

صادق هدایت

از افسانه تا واقعیت

هادیون کاتوزیان
ترجمه فیروزه مهاجر



نشر مرکز

Sadeq Hedayat
The Life and Legend of an Iranian Writer

Homa Katouzian

صادق هدایت

از افسانه تا واقعیت

همایون کاتوزیان

ترجمه‌ی فیروزه مهاجر

ویرایش صوری: تحریریه‌ی نشر مرکز

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌راش‌تول: نشر مرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ویرایش دوم ۱۳۹۸، شماره‌ی نشر ۳۱۵، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۲۷-۴

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان با طاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

E-mail: info@nashr-e-markaz.com

© www.remarkaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و

ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

-
- سرشناسه کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۲۱- م. Katouzian, Mohammad Ali ● عنوان و نام پدیدآور صادق هدایت
از افسانه تا واقعیت / محمدعلی همایون کاتوزیان؛ ترجمه‌ی فیروزه مهاجر ● مشخصات ظاهری دوازده، ۳۴۰ ص
● یادداشت عنوان اصلی Sadeq Hedayat: The Life and Legend of an Iranian Writer, 1991 چاپ قبلی: طرح نو، ۱۳۷۲؛ نمایه
● موضوع هدایت، صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰- نقد و تفسیر، Hedayat, Sadeq -- Criticism and Interpretation.
● داستان‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر Criticism and Interpretation -- Novelists, Iranian -- 20th century
● شناسه‌ی افزوده مهاجر، فیروزه، ۱۳۲۶-، مترجم ● رده‌بندی کنگره PIR ۸۳۰۸ ● رده‌بندی دیویی ۳/۶۲ فا ۸
● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۵۷۵۲۶۳۷

فهرست

هفت	یادداشت بر ورسه دو
نه	یادداشت مؤلف بر ترجمه فارسی
یازده	پیشگفتار
۱	۱. هدایت و ادبیات جدید فارسی
۱۹	۲. سال‌های نخستین
۳۵	۳. هدایت در اروپا
۵۵	۴. زندگی و کار در عصر طلایی
۷۹	۵. فرهنگ ایرانی و ناسیونالیسم رمانتیک
۱۰۵	۶. فرهنگ ایرانی و رئالیسم انتقادی
۱۳۱	۷. روایتی انتقادی از بوف‌کور
۱۵۹	۸. خاستگاه‌های بوف‌کور
۱۹۱	۹. امیدها و نومیدی‌ها
۲۱۲	۱۰. حاجی‌ها و کارگران
۲۳۹	۱۱. طنز و افسردگی
۲۷۳	۱۲. محاکمه: پیام هدایت
۲۹۱	۱۳. اجرای حکم: خودکشی هدایت
۳۰۹	۱۴. هدایت افسانه و هدایت انسان
۳۳۳	نمایه

پیشگفتار

در سال تحفہ یلی ۶، ۱۹۷۵ که در کالج سن آنتونی دانشگاه اکسفورد استاد مدعو بودم، جان گرنی خدمات با کتابی را که به تازگی درباره‌ی صادق هدایت منتشر شده بود به طور خصمه‌ای پیش بررسی کنم. وقتی نظرات تند مرا درباره‌ی آن اثر خاص شنید تشویریفم خورد. به بررسی تفصیلی زندگی هدایت و آثار او مبادرت ورزم، به‌ویژه با توجه این که هیچ نوع کار جامعی در این زمینه صورت نگرفته بود. تقریباً همه‌ی کتاب هدایت را در آغاز جوانی خوانده بودم، و هرگز به ذهنم خطور نکرده بود که روزی به بررسی منظم زندگی و نوشته‌های او اقدام خواهم کرد. دست به کار ساختم. حال ۱۵ سال از آن ایام می‌گذرد و در طول این مدت نیز تعدادی کار درباره‌ی هدایت به زبان انگلیسی منتشر شده که بمراتب بهتر از کتابی است که مرا به این هم‌راستی گیخت. در این فاصله نیز به کارهای دیگر سرگرم بودم، گرچه این همه وقت را به کارش صرف هیچ کدام نشد.

سید محمدعلی جمالزاده نهایت لطف را در حق نگارنده روا داشت. ربا در اختیار گذاشتن اصل یا فتوکپی نامه‌های هدایت، دیگر اوراق و اسناد مربوط، و چاپ اول بسیاری از کارهای اولیه‌ی هدایت که متعلق به خودش بود و افزون بر آن، مکاتبات و مکالمات میسوطی که در این باره داشتیم استعانت بسیار نمود. مرحوم دکتر تقی رضوی هم بسیار مساعدت کرد و فتوکپی نامه‌هایی را که هدایت برایش نوشته بود به من داد و درباره‌ی مردی که یک عمر دوست نزدیکش بود با هم به صحبت نشستیم.

امیر پیشداد، ناصر پاکدامن و مرحوم غلامحسین ساعدی بیش از حد یاری کردند و مدارکی نادر و غیرقابل دسترس در اختیار نگارنده گذاشتند. در طول این بررسی با افراد بسیاری صحبت کرده‌ام که سپاسگزاری از همه‌ی آنان در این مختصر نمی‌گنجد. لیکن حرف‌هایی که با محمود هدایت، مرحوم پرویز ناتل خانلری، مرحوم مجتبی مینوی و محمد مقدم زدم به‌خصوص مفید واقع شد. خاطرات مربوط به سال‌ها پیش از اقدام به این کار که از گفت‌وگوهای نام جوانی با خلیل ملکی، جلال آل‌احمد و مسعود فرزاد داشتم نیز بسیار سودمند بود.

جان گ‌نی، کوشش‌های خود را برای به ثمر رساندن این کار با خواندن پیش‌نویس‌ها، نوناگون آن ادامه داد و برای بهبود آن نظرات ارزنده‌ای ارائه کرد. تفسیرهای انتقادی که در سمینارهای مختلف کالج سن‌آنتونی و مؤسسه‌ی شرقی اکسفورد مطرح شد به‌نوبه‌ی خود کمک مؤثری بود تا کار به شکل حاضر درآید. اما مسئولیت نه‌ی انتقادی که لاجرم باقی می‌ماند منحصراً بر عهده‌ی نگارنده است.

ه.ک.

اکسفورد، اکتبر ۱۹۹۰